

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشپیکل آنلاین – به قلم یاکوب آوگ اشتاین
برگردان از: رضا نافی
۰۹ فبروری ۲۰۱۴

غول جنگ

در المان از خواب برخاسته است!

رئیس جمهور، وزیر خارجه و وزیر دفاع المان از جنگ حرف می زنند. بیست سال است که سربازان المانی در سراسر جهان می جنگند - و کشته می شوند. این هنوز کافی نیست؟

جای زخمی از دوران جنگ در بازوی پدرم باقی بود. ترکش نارنجک از زیر بازو فرورفته و از آنسو بیرون آمده بود. جای زخم مثل دهانه آتش فشان بود. بچه که بودیم آن را می دیدیم و بعد از گذشت سالها تازه از ماجرا سر در آوردیم: او بازوی چپ را روی شاخه درختی گذاشته و بعد ضامن نارنجک را کشیده بود. همانوقت در جبهه شرق بود، ولی نمی خواست دیگر جلوتر برود. پدرم آدم شجاعی بود: می توانستند برای این کاری که او با خود کرده بود تیر بارانش کنند.

جنرال شرممان گفته است: «جنگ جهنم است» برای فهمیدن سخن او نیازی به مراجعه به تاریخ نداریم. او در جنگ داخلی امریکا شهر اتلانتا را آتش زده بود. او می دانست از چه سخن می گوید. ما هم می دانیم، اگر به یاد بیاوریم. ولی اخیراً وزیر خارجه المان، اشتاین میگردان گفت: «المان خیلی بزرگتر از آنست که فقط تماشاگر رویدادهای سیاست جهانی و مفسر آن باشد» و بنظر وزیر دفاع خانم «فن در لاین»، وقتی هر روز قتل و تجاوز به عنف صورت می گیرد ما نمی توانیم رویمان را برگردانیم و خود را به ندیدن بزنیم». حالا رئیس جمهور Gauck در کنفرانس امنیت مونیخ یک پله هم بالاتر می رود و می گوید «المان باید زودتر، مصمم تر و اساسی تر درگیر شود». این سیاستگران واژه جنگ را به کار نمی برند. ولی وقتی اشتاین میگردان سخن از «سیاست خارجی فعال» می گوید و Gauck از المانها می خواهد که «روی به جهان بیاورند» منظورشان جنگ است.

قبل از انتخابات از این حرف ها را نمی زدند، چون می دانند مردمی که باید رأی بدهند هیچ یک از این برنامه ها را نمی خواهند. سیاستگران این تغییر خط مشی سیاسی را که بی تردید از مدت ها پیش نقشه اش را کشیده اند، قبل از انتخابات اعلام نکردند. این یعنی وقاحت. این یعنی مهمل به توان ۲. این نوع بینش در باره امنیت و مسؤلیت از تصویری مایه می گیرد که از دور خارج شده است و حاشیه نشینی المان هم حرفی است بی اساس.

پس از وحدت المان کشورهای کامبوج، گرجستان، کوسوو و افغانستان همه شاهد کشته شدن سربازان المانی در خاک خودشان بوده اند. حضور نظامی در افغانستان که به زودی به پایان می رسد، از لحاظ هزینه مادی و انسانی

بزرگترین و گرانترین عرصه حضور ارتش المان بوده است. و این حضور به کلی بی معنی بود. رشوه خواری و فساد، اسلامگرایی و حکومت قبیله‌ئی، اموری بودند که غرب می خواست با آنها مبارزه کند، همه اینها، به محض خروج سربازان آیساف از افغانستان، بازهم رایج خواهد شد.

ضابط سرگئی موتس، در ۲۹ اپریل ۲۰۰۹، ساعت ۱۹ و ده دقیقه مورد اصابت گلوله ضد تانک قرار گرفت. او نخستین سرباز المانی بود که پس از جنگ جهانی دوم در جنگ زندگی خود را از دست داد. او و تمام سربازان دیگر پس از او، چرا کشته شدند. در جنگ افغانستان ۵۴ سرباز و پولیس المانی کشته شدند، ۳۶ نفر آنها هنگام زد و خورد.

وقتی وزیر خارجه سخن از « مفسران سیاسی » المانی می گفت منظورش همین ها بودند که کشته شدند؟ و به نظر رئیس جمهور آنچه این قربانیان عرضه کردند به حد کافی « اساسی و مصمانه » نبوده است؟ آیا این دونفر فکر می کنند اگر تعداد سربازان و قربانیان هردو طرف در افغانستان بیشتر از این ها بود، ممکن بود در افغانستان ورق برگردد؟ آنها سخن از حضور نظامی تازه می گویند ولی جرأت ندارند بگویند حاصل این جنگ شکست بود. از این گذشته: اصلاً پیروزی در افغانستان می بایست چه شکل و صورتی پیدا می کرد؟

اکثریت بزرگ المانها مخالف شرکت ارتش المان در جنگ هستند. مردم المان بهتر از رئیس جمهور و وزیر خارجه ای که خواستار آکسیونیسیم است درک کرده اند که تقابل های فرهنگی معاصر را نمی توان به زور اسلحه حل کرد. با این همه Gauck، اشتاین مایر و فن در لاین خاطر شان جمع بود رسانه هائی که سخنگوی سیاست خارجی نخبگان هستند برای آنها کف خواهند زد. روزنامه «دی ولت» از المانها شاکی است که پیرو شعار « به من چه » هستند و روزنامه زودویچه المانها را متهم به « عقب نشینی راحت طلبانه » کرد.

فولاد بیشتر، گوشت بیشتر

در دبیرخانه بسیاری از جرائد روزنامه نگارانی نشسته اند که مثل سخنگوی مطبوعاتی ناتو می نویسند. محل دیدار این ها با هم عبارتست از کنفرانس امنیت مونیخ، « پل اتلانتیک » « امریکن کانسل آن جرمانی » و یا « جامعه المانی اتلانتیک ». در این محافل همه با هم اتفاق نظر دارند که باید به دوران « خویشتن داری » پایان داد. سهمی که المان پس از فروپاشی دیوار در دخالت های نظامی داشته است برای این جماعت اصلاً کافی نیست فولاد بیشتر، گوشت بیشتر! چرا؟ برای این که، دست آخر، بتوانند در صحنه بین المللی با دیگران احساس برابری کنند.

ناگهان روشن می شود وقتی « گیدو وستر وله » بر سر کار بود این کشور چه وزیر خارجه ای داشت، وزیر خارجه ای که امروز مورد انتقاد قرار می گیرد که چرا خواستار « خویشتن داری نظامی » بود.

این پیامبران تغییر سیاست خارجی تظاهر می کنند به این که خواستار مسؤولیت و امنیت هستند. ولی مسؤولیت خود را با اقدامات نظامی تعریف نمی کند و آنچه امروز تحت عنوان امنیت می فهمیم با آنچه دیروز می فهمیدیم فرق دارد.

ما امروز اختیار اطلاعات مربوط به خود را از دست داده ایم از پول و هویت گرفته تا قدرت. هیچ چیز بیش از این فقدان اختیار ما را تهدید نمی کند. ولی رئیس جمهور، وزیر خارجه و وزیر دفاع حاضر به پذیرفتن چنین مسؤولیتی نیستند.

دولت المان یک امکان دیگر برای نشان دادن مسؤولیت را از دست داد: یک روز پس از سخنرانی رئیس جمهور، اشپیگل نوشت که بیش از ۱۰۰ واحد قایق های گشتی و مرزبانی آبی به عربستان فروخته شده با تضمین مالی ۱،۴ میلیارد یورو. با صراحت بر اهمیت شغل آفرینی این معامله تکیه می شود.

آنچه که از همه بدتر است ریاکاری است.